



# جنگ نفت؛ پیامدها و عبرتها

سحرگاه یازدهم مرداد سال جاری (۲ آگوست ۱۹۹۰ میلادی) دستور حمله فرماندهی نظامی حزب بعث عراق توسط نیروهای زرهی، پیاده و هوایی به معرض اجرا گذارده شد. هدف، تصرف سریع کویت و شاید بخشهایی از مناطق استراتژیک و نفت خیز عربستان بود. حکام کویت با شنیدن خبر حمله، بسرعت خاک کشورشان را به مقصد عربستان ترک کردند و چند ساعت بعد، بدون درگیری و مقاومتی قابل توجه، کویت به اشغال درآمد و نیروهای عراقی در مرزهای عربستان— به دلایلی که هنوز دقیقاً روشن نیست— متوقف شده، به استحکام مواضع پرداختند. و بدین ترتیب، بهانه و زمینه گسترده ترین درگیری نظامی بعد از جنگ جهانی دوم تحقق یافت.

## عوامل موثر در

## تصمیم گیری صدام و حزب بعث عراق

ریشه های تاریخی پیدایش حزب بعث در ممالک عربی، بویژه عراق، نوع آموزشها و تفکرات ناسیونالیستی حزبی، سرخوردگیهای شدید سیاسی اعراب در رابطه با قضیه فلسطین، خلاء ناشی از نبود رهبری قاطع و قدرتمند در جهان عرب بعد از عصر جمال عبدالناصر و آرزوی رهبری دنیای عرب، ناکامی حزب بعث در حمله به جمهوری اسلامی و لزوم پاسخگویی به مسائل و مشکلات سیاسی مردم عراق بعد از جنگ با ایران، ادعاهای ارضی تاریخی عراق نسبت به کویت،

دسترسی به منابع سرشار نفتی جهت حل مشکلات اقتصادی در دوران بازنسازی این کشور، و در صدر اینها، روحیه قدرت طلبی و فزون خواهی و خصلتهای روانی صدام، از جمله عواملی بود که لشکرکشی عراق به کویت را در تصمیم فرماندهی حزب موحه می نمود.

پیروزی سریع نیروهای عراقی و حفظ آن می توانست قدرت عراق را در حدی فوق العاده در منطقه تأمین کند و نقش این کشور را در سازمان اوپک افزایش دهد، به نحوی که این کشور بتواند پاسخ منفی قاطعی به تقاضای بازدهی وامهای پرداختی کویت و عربستان در طول جنگ با ایران بدهد، و حتی غرامت بیشتری را در این راستا مطالبه کند؛ در مذاکرات نهایی صلح با ایران از موضعی برتر برخوردار نماید؛ ذائقه تلخ مردم و ارتش عراق از تحمیل ۸ سال جنگ بی نتیجه به ایران را با شیرینی پیروزی بدون تلفات به دست آمده در کویت تغییر دهد، و در درازمدت، نقش شوروی در منطقه خلیج فارس را - که بر اثر تحولات داخلی این کشور بشدت محدود و کم رنگ شده بود- با اهداف و اشکالی دیگر، مستقل و یا به نایب، و بتدریج زمینه اقتدار رهبری حزب بعث در جهان عرب را فراهم ساخته، در شکل احتمالی دیگرش، با پذیرش نقش ژاندارمی منطقه، پس از تثبیت و تحمیل قدرت خود- عملاً انقلاب اسلامی و راه و اهداف جهانی امام را در مرزهای اقتدار سیاسی و اقتصادی و جغرافیایی توین به دست آمده سد نماید.

اشتباهات حزب بعث عراق  
قبل از هر چیز، باید بر این واقعیت تاریخی تکیه کنیم که ریشه اشتباهات را بایستی در وابستگیهای حزب بعث عراق در جنبه های مختلف آن، از مبانی مسلکی و عقیدتی گرفته تا ساختار تشکیلاتی و مواضع سیاسی و قدرت نظامی آن، جستجو کرد. اساساً احزاب و رژیمها و حکومتهایی که در نقاط استراتژیک خود دچار وابستگی به قدرتهای دیگر هستند، همواره در معرض چنین اشتباهات مهلکی قرار داشته اند و دارند.

حکام عراقی بیش از حد به ماشین جنگی و سازماندهی نیروها و اقتدار پلیسی و حزبی بعث در ارتش دل بسته بودند. آنها در محاسبه اولیة خود در مقایسه با جنگ

روانی و سیاسی، امکان رودرویی نظامی مستقیم با آمریکا و هم پیمانان فریض را در سطس گمشده که بعداً اتفاق افتاد، کمتر پیش بینی کرده و به حساب آورده بودند. اتکا و امید به حمایتهای سیاسی و تبلیغاتی و حتی نظامی شوروی احتمال بروز جنگ را تا حد زیادی منتهی می ساخت. عراقیها برای توقف احتمالی در مرزهای عربستان و عدم دستیابی سریع بر منابع نفتی و نقاط حساس آن کشور، که می توانست نقش بازدارنده در عملیات تهاجمی و تخریبی غرب داشته باشد، در معادله خود حسابی باز نکرده بودند، اتکا به تعیین کنندگی نقش نیروی زمینی و بی توجهی نسبت به کارایی نیروی هوایی در شرایط کاملاً نابرابر، از جمله اشتباهات دیگر صدام بود. و هیران عراق بدون توجه به سابقه ذهنی ملل مسلمان جهان از ماهیت و نقش حکومت عراق در گذشته و بی تفاوتی این کشور در

**\* رهبران عراق بدون توجه به**

**سابقه ذهنی ملل مسلمان**

**جهان از بی تفاوتی این کشور**

**در جنگ اعراب و اسرائیل،**

**بیش از حد به برانگیختن**

**احساسات ضد امریکایی و**

**اسرائیلی ملتها به نفع مواضع**

**خود در جنگ احتمالی دل**

**خوش کرده بودند.**

جنگ اعراب و اسرائیل و لطماتی که تحمیل جنگ به جمهوری اسلامی ایران بر هر دو ملت مسلمان وارد ساخت، بیش از حد به برانگیختن احساسات ضد آمریکایی و اسرائیلی ملتها به نفع مواضع خود در جنگ احتمالی دل خوش داشتند.

### پافشاری بر مواضع ورد پیش‌سپه‌نهادات و نصایح کشورهای بی طرف

عدم پیشدستی در تهاجم، دادن فرصت کافی برای تجهیز و سازماندهی نیروهای چند ملیتی در عربستان، عدم استفاده بسوق از نیروی زمینی در نقاط ضعف جبهه متحدین به عنوان تنها امکان باقیمانده پس از شروع جنگ هوایی، برای خروج از بن بست، پذیرش ناگهانی طرح صلح شوروی بعد از خراب کردن تمامی پلها- که این امر باتوجه به تبلیغات گسترده قبلی به هیچ وجه برای نیروهای نظامی عراق قابل هضم نبود- و در واقع، از لحاظ روانی تیر خلاص مقاومت را وارد ساخت و هرگونه انگیزه احتمالی را در سربازان عراقی از بین برد و تاکید مجدد بر ادامه نبرد بعد از دیدن واقعه‌های جنگ و

رد طرح صلح شوروی بدون در نظر گرفتن روحیه و امکانات و تواناییهای نظامی و بدون توجه به پیامدها و به دنبال آن، دستپاچگی و بی تدبیری در نحوه اعلام پذیرش آتش بس و مفاد قطعنامه‌های سازمان ملل موجب شد که نیروهای عراقی تمامی برگهای برنده را یکی پس از دیگری از دست بدهند و یک دنیا خرابی امکانات اقتصادی، صنعتی و خدماتی و از هم پاشیدگی نیروهای نظامی، تخلیه کامل کویت و واگذاری بخشهایی وسیع از نقاط حساس جنوب و غرب عراق به نیروهای چند ملیتی، به همراه داغ مرگ هزاران زن و مرد و کودک، و ننگ اسارت هزاران نیروی نظامی، به عنوان ارمغان شوم اشتباهات حکام ناصالح بعثی و نتیجه جنایات آمریکا و غرب، برای ملت مظلوم عراق و منطقه و جهان اسلام، به جا بماند.

### واقعه‌ها در آن سوی میدان نبرد

سقوط چند ساعته ثروتمندترین کشور جهان و فرار مفتضحانه کاخ نشینان کویته در نخستین دقایق حمله ثابت کرد که دلارهای نفتی و ژندگیهای تجملی و

سربازان عراقی به خاطر اشتباهات گذشته رهبران عراقی، انگیزه جنگیدن را به شور کمی از دست داده بودند و بسیاری از آنها خیلی زود در برابر نیروهای چندملیتی خود را تسلیم کردند.



اشرافی و حسامهای طلایی، هرگز در مواقع بحران به داد ملت‌ها نخواهد رسید. مردم جهان نتیجه سرسپردگی کامل به قدرتهای جهانی را در اتکای صدترصد حکام سعودی و رژیم آل صباح به حساسیتهای آمریکا و غرب و دعوت آنان برای کشتن و غارت برداران همکیش و پذیرش خفت بار تمامی شروط متحدين را در جنگ اخیر، شاهد بودند.

واقعیت آن است که دولت سعودی و خاندان آل صباح در این جنگ جز اجرای سیاستهایی که در کاخ سفید طرحریزی می شد و در مجامع چند ملتیی مورد تأیید قرار می گرفت. و در سازمان ملل و شورای امنیت مشروعیت می یافت، نقش دیگری به عهده نداشتند. فراهم ساختن همه گونه امکانات برای حضور صدها هزار سرباز آمریکایی، انگلیسی و غربی، و در اختیار گذاردن سرزمین مقدس حجاز، لکنه ننگی است که تحمل آن برای جهان اسلام سخت دشوار خواهد بود. سرزمینی که روزانه میلیونها مسلمان به سوی آن نماز می گزارند، با حضور زنان و مردان فاسد و کافر غربی آلوده شد. شرم آورتر آنکه جشن پیروزی حمام خونی که غربیها در عراق به راه انداختند، در اردوگاههای آمریکاییها و انگلیسیها و غربیها در این سرزمین مقدس بر پا شد و آتش بسیار معرکه و فراهم کننده امکانات عیاشی و آدم کشی غربیها در جوار خانه خدا به عهده کسانی بود که خود را خادم الحرمین می نامند!

آثار شوم حضور گسترده دشمنان آشکار اسلام و حامیان سرسخت اسرائیل در سرزمین وحی، امری نیست که با خاتمه عملیات نظامی و بازگشت استقلال آمریکایی به کویت، و حتی خروج کامل نیروهای غربی از منطقه محو شود. بزرگترین لطمه روحی و روانی به مسلمانان سراسر جهان وارد شد. بی دلیل نبود که منادی راستین اسلام ناب محمدی (ص) - حضرت امام خمینی (ره) - همواره خطر اسلام آمریکایی و سردمداران آن را حتی از خطر صهیونیستها و دشمنان رودرروی اسلام بیشتر و مهلکتر می دانستند. ننگی بالاتر از این

✱ آثار شوم حضور گسترده دشمنان اسلام و حامیان سرسخت اسرائیل در سرزمین وحی، چیزی نیست که حتی با خروج کامل نیروهای غربی از منطقه محو شود.

نیست که پناهگاه و مأمن ثروتمندترین کشورهای اسلامی، آمریکا و انگلیس، دشمنان سرگند خورده مسلمین، باشند. براسنی آینده جهان اسلام در صورت حضور صاحبان اینگونه گرایشها و نگرشها در مسالک اسلامی به کجا خواهد انجامید؟!!

بدون تردید، عریان شدن بسیاری از واقعیتها برای ملل اسلامی و کشتار رفتن پرده تزویر تبلیغات اسلامخوای و اسلام گرایبی حکومتهای آل سعود و آل صباح، آمریکا و غرب را ناگزیر از ایجاد تنبیرات و رفرمهایی در ساختار حکومتی اینگونه مسالک، برای ادامه حفاظت منافع نامشروع خود، می سازد و میزان بهره برداری نیروهای انقلابی از شرایط آینده منطقه را رقم خواهد زد.

### جنگ نفت و جبهه متحدين غربی

روند فعل و انفعالات، از ابتدای اشغال کویت تا زمان اشغال آن، توسط آمریکا و همپیمانانش، جای هیچگونه شبهه ای را باقی نمی گذارد که آمریکا سردمدار جریان جبهه مقابل و بازیگر اصلی و عامل همه جنایات و پیامدهای شوم بعدی آن است. دعوت رسمی و غیررسمی حکومتهای کویت و سعودی و اعضای شورای همکاری و مصر از آمریکا و غرب، تنها بهانه صوری

## \* ریشه اشتباهات عراق را باید در وابستگی‌های حزب بعث از مبانی مسلکی و عقیدتی گرفته تا ساختار تشکیلاتی و مواضع سیاسی آن جستجو کرد.

لشکرکشی بسابقه در این منطقه بوده است. برای آمریکا و جهان غرب، هرگز کویت و خلیج فارس، پاناما و گرانادا و افغانستان و ویتنام نیست. شریان حیاتی اقتصاد غرب در این منطقه است؛ و موجودیت غرب بسته به حکومتی است که نگاهی آن را برعهده داند، چرخش چرخهای اقتصاد و تکنولوژی و ماشین جنگی غرب و آمریکا در سراسر جهان بستگی فراوان به نفت این منطقه دارد. دنباله روی صددرصد و تمام عیار انگلیسها از آمریکا، تردیدی را باقی نمی‌گذارد که انگلیس در ماهیت، شکل، محتوا، انگیزه‌ها، حکومت و همه چیزش بخشی و ایالتی از آمریکاست و حکام بظاهر مستقل این کشور، در تمامی جنایات آمریکا به یک نسبت سهیم اند. عامل اصلی اتحاد سایر دول اروپایی با آمریکا علی‌رغم تضادهای روینایشان، در حقیقت، وحدت منافع آنها در رابطه با نفت خلیج فارس است. شاید یکی دیگر از اشتباهات صدام کم بها دادن به ارزش ثبات در منطقه انحصاری تولید نفت غرب و آمریکا و دلخوش ساختن به بهره‌برداری از تضادهای دولتهایی همچون آلمان و فرانسه و ایتالیا با آمریکا در شرایط بعد از تحولات اروپای شرقی و طرح نظریه تشکیل اروپای متحد بود.

قلمبیت شورای امنیت در قبال اشغال کویت و مواضع سرسختانه سازمان ملل و مجامع بین‌المللی دیگر، و تصویب قطعنامه‌های سریع و پیاپی و تضمین اجرای کامل آنها، عمق نفوذ آمریکا و غرب و تبعیت شوروی از سیاستهای آمریکا را آشکار ساخت. شورای امنیت که مصوبه آن بهانه مشروعیت جنایتهای سبعانه آمریکا در عراق می‌شود، همان شورایی که در پی اشغال پهنه وسیعی از خاک ایران تا مدت‌ها سکوت می‌کند و بعداً به نفع متجاوز وارد میدان می‌شود و طرف مورد تجاوز را تحت فشار می‌گذارد؛ همان شورایی که تجاوز وحشیانه اسرائیل و آوارگی ملت فلسطین و اشغال قدس را به رسمیت می‌شناسد و در طی سالیان دراز تحت فشار ملتها، هر چند گاه قطعنامه‌ای بی‌روح و بی‌پشتوانه صادر می‌کند که اکثراً با وتوی آمریکا و انگلیس مواجه می‌شود، اینک در رابطه با اشغال کویت ظرف چند ماه ۱۲ قطعنامه شدیدالحن به نفع آمریکا صادر می‌کند و تمامی ابزارهای اجرایی آن را در اختیار می‌گذارد.

گرچه هم اکنون جهت متحدین در صحنه نبرد نظامی پیروز شده و عراق هزینه‌ها را پذیرفته، اما همزمان با آن، واقعیت دیگری نیز بوضوح ثابت شده. و آن آشکار شدن حد تواناییهای واقعی آمریکا و غرب است. بعد از جنگ جهانی دوم و در هنگامه جنگ سرد دو بلوک، غربیها با استفاده از امکانات گسترده تبلیغاتی و فرهنگی خود، قدرتی افسانه‌ای نظیر قدرت خدایانی که با یک انجم دنیا را کن‌فیکون می‌کنند، در اذهان ملتها و دولتهای دیگر ساخته بودند. جنگ اخیر بسیاری از مسائل را روشن ساخت و آیهت کاذب قدرت افسانه‌ای آمریکا را فروریخت یک کشور جهان‌سومی که تازه از جنگ فرسایش و طولانی‌اش کمر راست کرده، با جمعیتی کمتر از بیست میلیون، در حالی که از لحاظ امکانات و تکنولوژی بشدت وابسته به دیگران است و حکومتش پایگاه مردمی قابل اعتنایی نداشته است، منطقه کوچک‌کی را اشغال می‌کند. در مقابل، تقریباً تمامی جناحهای درگیر در جنگ جهانی دوم فاتح و مغلوب، با

تمام قوا به میدان می آیند. آمریکا با آنهمه کبک و دبدبه جنگ ستارگانش پرچمدار جبهه متحدینی می شود که ۲۸ کشور در آن عضویت دارند. ناهای جنگی و موشکهای کروز و زیردریایها و تیهها و لشکرهای زرهی و پیاده نظام و موشهای صحرایی انگلیس، مردان قورباغه ای و کلاه سبزها و نیروهای واکنش سریع و زیردریایها و هواپیماهای هارپر و عمده پرواز و آواکس و ب ۵۲ و انواع فانتومها و میراژهای آمریکا و انگلیس و فرانسه و ایتالیا و آلمان و امکانات نظامی پایگاههای آمریکایی عربستان و مصر و... و پشتوانه اقتصادی بیرومند دلارهای سعودی و کویت و حمایتهای ژاپن وارد عمل می شوند. قبلاً تمامی راههای تأمین مایحتاج ملت مظلومی را مسدود می کنند، که هیچ گونه نقشی و جرمی در وقایع و حوادث جاری ندارد؛ حتی جلو ارسال شیرخشک و دارو و مواد غذایی را می گیرند. راه به جایی نمی برند و درمانده، تنها راه را خرابی کامل و وحشیانه یک کشور و نابودی همه امکانات اقتصادی و صنعتی و خدماتی آن می بینند. دهها هزار سورتی پرواز انجام می شود، شهرها و روستاهای بی دفاع بر سر ساکنان بیگناهِش خراب می شود؛ حقایق و واقعیتها در بدترین شکل ممکن از چشم جهانیان و مردم خودشان پوشیده می ماند؛ دموکراسی و آزادی بیان و حقوق بشر، مسنوعیت بسیاران مناقم مسکونی و محدودیت استفاده از سلاحهای استراتژیک و صدها واژه فریبنده ای که سالها ملعبه آمریکا بوده، فراموش می شوند و سرانجام با دادن تلفات و تحمل خسارات فراوان و با یک دنیا لشکر و تجهیزات مدرن تمامی قدرتهای غربی و خرابی یک کشور و بیخامناسی و آوارگی هزاران هزار زن و مرد بی پناه و بی دفاع، موفق به باز پس گیری منطقه کوچک اشغال شده می شوند و به شیوه ای که گذشت، بررزی می پیروز می شوند که پایگاه واقعی، نه در قلوب ملت خود و نه در میان سایر ملل بشمار مسلمان جهان دارد و انگیزه جنگیدن در سربازانش به خاطر اشتباهات تلخ گذشته،

به کلی ترین رفته است. آیا این پیروزی است یا شکست مفضحانه و قاحتش یک ابر قدرت؟!؟

### نقش شوروی و بلوک شرق در جنگ

جنگ نفت و نتیجه آن، آزمونی شکننده برای رهبران کرملین بود. مشکلات سیاسی داخلی شوروی، از هم پاشیدگی اتحاد بلوک شرق و پیمان نظامی ورشو، شکستهای پیاپی احزاب کمونیست در پایگاههای حاکمیت دیرینه خود و نیاز شدید طرح گورباچف به حمایتهای سیاسی و مادی غرب، هیچیک نمی تواند منقلاً در برابر امتیازاتی که بظاهر شوروی به دست آورده است، مواضع بشدت ضعیف این کشور و همپیمانان سابقش را در جنگ خلیج فارس توجیه نماید.

حتی اگر رهبران شوروی درصدد قربانی کردن یکی از عمده ترین پایگاههای اقتدار سنتی خود در ممالک عربی و اتحادی میلیاردها دلار حق سکوت از کویت و عربستان به نفع حل مشکلات داخلی خود و مطمئن ساختن غرب از اصلاحات به اصطلاح دموکراتیک در جامعه سوسیالیستی سابق کشورشان بودند، راههای موثرتر دیگری وجود داشت که هرگز تجربه نشد. تحلیل علل واقعی مواضع ضعیف و متزلزل روسها در جنگ نفت، احتیاج به گذشت زمان بیشتر و دستیابی به اسناد و توضیحات و افشاگریهای مستند از سوی طرفین درگیر دارد. ولی به هر حال، می توان گفت روسها یکی از بیژنه گان این حادثه بودند. شوروی نه در جبهه متحمین و نه در جبهه عراق، و نه در خط بیطرفی، هیچگونه نقش موثر قابل دفاع و قابل ملاحظه ای - حتی

فروغ غیرقابل اعتمادترین قدرت جهانی از نظر دولتهایی که به نحوی درگیر در بحران اخیر بوده و یا خود را در معرض بحرانهایی مشابه در آینده می بینند، شوروی است. چنانکه منفورترین دولتها از نظر ملل مسلمان، آنهاایی هستند که برای حفظ بقای خود، به دامن خون آلود جنایتکاری چون آمریکا پناه می برند. اُفت



فرار مفتضحانه کاخ نشینان کویتی در نخستین دقایق حمله ثابت کرد که زندگیهای تجلی و کاتهای اتراتی هرگز در مواقع بحران به داد ملتها نخواهد رسید.

تلیغاتی حاکم شد، خانه ها ویران گردید و امکاناتی که با رنجهای فراوان یک ملت به دست آمده بود، تخریب شد.

ارتشی که می توانست در خدمت آرمان اسلامی به نفع آزادی تونس وارد عمل شود با خیانت رهبران بعثی خود و جنایات امریکای وانگلیس، متلاشی شد و سرانجام در نمایش مسخره پیروزی، سربازان امریکایی و غربی شراب پیروزی را در مقدس ترین اراضی زمین، از دست حکام سردمدار اسلام آمریکایی آگ نمود گرفتند و نوشیدند و بر سخیها و مرارت های مردم مظلوم عراق و رنجها و عقیده های ملیتهای اسلامی مستانه خندیدند و پرچم مشترک آمریکا و کویت را در سفارت آمریکا در این کشور به نشانه پیروزی به اهتزاز درآوردند.

اما تاریخ در همین جا به پایان نمی رسد. رسالت بردوشان اسلام ناب محمدی (ص) و رهروان راه ختمی سلام الله علیه در کوران حوادث آبدید می شوند و اندوخته های گرانبهای خود را با آموخته ها و عبرتهای جنگ مرارتبار اخیر، افزوده می کنند و راه حقیقی نجات ملتها را در عمل تجربه می کنند.

آشکار سیاسی و نظامی روسها در جنگ نفت، کمتر از شکست ابهت قدرت نظامی آمریکا و غرب در انتظار مسلمانان متلقه و جهان و ملت هایی که شاهد وقایع جنگ نفت بودند، نیست.

تناقض در مواضع روسها در طول دوران بحران، سکوت آنان در مقابل جنایات متحدین و تأیید قطعنامه های شورای امنیت و نقش ضعیف آنان در مذاکرات شورا و طرح های آن، دیپلماسی شکست خورده شوروی در حل بحران و رد سریع صلح آنان از سوی آمریکا، حکایت از نواقضهای خطرناک پشت پرده اصلاح طلبان شوروی و هیئت حاکمه آمریکا در رابطه با مرزبندیهای جدید سیاسی جهان داشته، نشانه از هم پاشیدگی شدید اوضاع داخلی و فروپاشی اقتدار شوروی در پهنه سیاست جهانی است.

به هر حال، جنگ خانمانسوز اتفاق افتاد؛ شوروی از اهرمهای خود استفاده نکرد، بلکه به تأیید جنگ پرداخت و در مقابل جنایتها سکوت کرد، شورای امنیت مشروعیت بخشید، ندای صدها هزار ملیتهای مختلف در سراسر جهان نادیده گرفته شد؛ سانسور شدید خبری و